

تحولات قانونگذاری بین‌المللی در مقابله با پدیده تروریسم

حسن موثقی^۱

چکیده:

امروزه شرایط حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌تواند تابع همان شرایطی دوران جنگ سرد باشد. ملل دنیا با تهدیداتی نظیر تغییرات اقلیمی آب و هوا، تروریسم، گسترش عمودی و افقی سلاح‌های هسته‌ای، بازگشت بیماری‌های اپیدمیک، بهانه‌جویی دولتها برای تجاوز به یکدیگر و دهها بحران نوظهور مواجه است که بصورت فرامرزی عمل می‌کنند. با این حال تقابل عنصر اراده و رضایت دولتهای عضو با اختیارات سازمانهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت (وفق فصل هفت منشور)، موجب تفوق صلاحیت این گونه سازمانها بر حاکمیت انحصاری دولتها در حوزه‌های فوق‌الذکر گردیده است.

در این پژوهش مبنای تحقیق، بررسی چهارچوب مفهومی و ویژگی کارکردی حاکمیت و تعهدات در حقوق بین‌الملل معاصر است. سؤال اصلی پژوهش این است که جامعه بین‌المللی تا چه میزان قادر است اراده دولتها را در مبارزه با تروریسم تعدیل کند و آیا این تعدیل به مفهوم نفی حاکمیت است یا ترغیب آن به همگرایی با ارزشهای جامعه بین‌المللی و آخرالامر به این نکته می‌پردازیم که آیا جامعه بین‌المللی قادر است با انسجام کشورهای جهان شاهد حرکت اراده فردی دولتها بسوی همگامی با اراده کل جامعه بین‌المللی گردد و نوید بخش تحقق همبستگی بین‌المللی در حوزه مبارزه با تروریسم و روابط بین‌الملل گردد یا نه؟

واژگان کلیدی: جامعه بین‌المللی - قانونگذاری - تروریسم - قطعنامه ۱۳۶۸ - قطعنامه ۱۳۷۳ - قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام

^۱ - استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه :

در دنیای حقوق، حق و تعهد ملازم و قرین یکدیگرند. الزام متعهد به ایفای تعهد و به واقع حرمت نهادن بر حق متعهدله از ذات و سرشت تعهد منبث می‌شود. اما منشأ ایجاد تعهد و الزام در هر نظام حقوقی متنوع و متکثر است کما اینکه قالبهای تجلی تعهدات نیز گوناگون و متفاوت‌اند.

با این وصف نظام حقوق بین‌الملل بعنوان نظام حقوقی حاکم بر جامعه بین‌المللی حکایتی دیگر دارد. در جامعه بین‌المللی نهادی در رأس قرار نگرفته است که ضمن وضع قانون، ضامن اجرای آن نیز باشد. وحدت واضع و تابع در جامعه بین‌المللی، به این جامعه و نظام حقوقی حاکم بر آن ویژگی منحصر بفرد داده است. به واقع عمده‌ترین مسئله در فلسفه حقوق بین‌الملل نحوه تبیین نظام تعهدات می‌باشد (باقرپوراردکانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷). پاسخ به این سوال که یکی از ابهامات اساسی و پایه‌ای این نظام حقوقی است که در بیرون از ساحت حقوق بین‌الملل نهفته است و به تعبیری نیازمند تحقیقات معرفت‌شناسانه در این حوزه می‌باشد. (باقرپوراردکانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲).

بر همین اساس دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در رأی مشهور خود در ۷ سپتامبر ۱۹۲۷ در قضیه کشتی لوتوس ابراز داشت *Lotus case, 1927, para 18* (برای مطالعه بیشتر نک: فیوضی، ۱۳۷۹، ص ۸۴۳) که: «قواعد و نظامات حقوقی حاکم بر روابط بین‌کشورها ناشی از اراده آزاد آنهاست و در معاهدات یا رسومی که بطور همگانی مورد پذیرش قرار گرفته ظاهر می‌گردد» (کلیبار، ۱۳۶۸، ص ۴۹۸).

از سوی دیگر حقوقدانان برجسته انگلستان به این باورند که رضایت به تنهایی نمی‌تواند التزام به اجرای مقررات حقوق بین‌الملل را در جامعه بین‌المللی توجیه کند (Tomuschat, 1993, p.209 & Fitzmaurice, 1957, p.1) و عنصر اراده نیز دچار استحاله گردیده و دیگر آن مفهوم موسع و تأثیر سابق را ندارد. بدون

شک اهداف متغیر جامعه بین‌المللی که پاره‌ای اوقات با ملاحظات سیاسی و موازنه قدرت توأم می‌گردد رسالت حقوق بین‌الملل را که همانا مراقبت از نظم عمومی بین‌المللی و صلح و امنیت همه‌جانبه است را دوچندان می‌کند بویژه که نقش نظم‌زایی حقوق هر روز در حال گسترش و عمومیت یافتن است (لوی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). امروز جهان با مسائلی همچون تروریسم، تخریب محیط زیست بین‌المللی و تغییرات اقلیمی و گرم شدن زمین، اپیدمی‌های عفونی نظیر بیماری مهلک و مرگبار ایذر، ایبولا، سلاحهای کشتار جمعی، فقر، بیکاری (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۸)، دیون زائد الوصف و در حال افزایش کشورهای جهان سوم و چهارم، جرائم سازمان یافته، مهاجرت، تهدیدات هسته‌ای، محرومیت نیمکره جنوبی از ابتدایی‌ترین امکانات حیات، جمعیت در حال گسترش، تکرار نسل‌کشی، تمایل به جنگ، نقض گسترده حقوق بشر، سیل آوارگان، فرقه‌گرایی و برخورد تمدن‌ها مواجه است.^۲ تهدیداتی نظیر تروریسم، جنایات سازمان یافته و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی ندرتاً مرز می‌شناسد. ما بطور حیرت‌آوری به یکدیگر وابسته و مرتبط شده‌ایم. جامعه بین‌المللی کنونی شاهد پیوندهایی است که حاصل تعمق و چاره‌گری برای این چالش‌هاست. در این پژوهش سولاتی مطرح می‌شود که پاسخ به آنها به شناخت فرآیند تعدیل رضایت دولتها خواهد انجامید.

۱ - آیا در روابط بین‌الملل هنجارهای بالاتر از اراده نیز وجود دارد که تابع اراده دولتها نباشد و قادر به محو کامل تهدیدات تروریستی گردد؟

۲ - آیا امکان دارد در جامعه بین‌المللی قدرت مداری به حاشیه رانده شده و قانون محوری به متن سوق داده شود و از یکجانبه‌گرایی به سوی همگرایی و همبستگی گام برداریم؟

^۲- کوفی‌انان.

در پاسخ به سوالات مذکور اصلح است فرضیه‌های ذیل را مورد توجه قرار دهیم:

۱- حاکمیت در حقوق بین‌الملل، به عنوان یک اصل اساسی و بنیادین مورد توجه قرار گرفته است.

۲- اما در روابط بین‌الملل حاکمیت باید به نحوی خود را با خواست و اراده جمعی جامعه بین‌المللی سازگار و هماهنگ کند که این مهم باید در قالب یک نظام حقوقی خاص انسجام یابد.

۳- این حقیقت غیرقابل انکار است که رشد تروریسم معلول نابرابریهای بین‌المللی است. پس خشونت پاسخ تروریسم نیست بلکه باید بدنبال تحقق عدالت توزیعی در جهان بود.^۳

مبحث اول - محدودیتهای حاکمیت

حاکمیت نیز مانند اکثر نهادهای حقوقی دچار تحولات شگرفی شده است و دیگر آن تصور قبلی از آن نمی‌رود. واقعیت این است که دولتها دیگر اقتدار مطلق ندارند و تدریجاً محدودیتهایی بر آن وارد شده است از جمله آنها ظهور قواعد آمره است از جمله ممنوعیت تهدید یا توسل به زور. دولتها در هر حال تابع مقررات حقوق بین‌الملل هستند. قبول پاره‌ای از تعهدات موجود در جامعه بین‌المللی سازمان یافته (سازمان ملل متحد) با لحاظ بند ۳ ماده ۲ و ماده ۳۳ منشور و در موضوعاتی نظیر توجه به حقوق بشر، محیط زیست، تروریسم، امنیت جمعی، خود نوعی تحدید داوطلبانه حاکمیت است (افتخار جهرمی، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، ص ۳۵).

در هر حال این تحولات مولود تغییر در نگرش و تفسیر موسع منشور سازمان ملل متحد در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی است که سابق بر این در صلاحیت

۳- کوفی امان، دبیرکل سازمان ملل در جلسات مجمع عمومی بارها تأکید می‌کرد که انسانهای مستعصل و درمانده که چیزی برای دست دادن ندارند مناسبترین طعمه‌های تروریسم هستند.

انحصاری کشورها بود اما بدلیل افزایش جنگها و ناامنی‌های بین‌المللی که ناشی از تروریسم و جرائم سازمان یافته و نسل‌کشی است (با تغییر نظم و استغالیائی به نظم ایده‌آلیستی) حاکمیت در ورطه فرسایش قرار گرفته است (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵). در این راستا شورای امنیت همه دول عضو را مکلف کرده است که وفق ماده ۲۵ منشور سازمان ملل متحد رفتار نمایند (Kirgis, 2006, p.1) منجمله رعایت قطعنامه‌های الزام‌آور^۴ شورای امنیت در زمینه خلع سلاح هسته‌ای و برخورد با تروریسم.

بطروس بطروس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۲ به مجمع عمومی سازمان ملل متحد که طی سند شماره A/47/277-S/24111 به ثبت رسید با طرح راهکار دستورکاری برای صلح اعلام داشت (Dixon, 1995, p.8) که: «دوران حاکمیت مطلق و انحصاری دولتها به سر آمده است. این تئوری هیچگاه با واقعیات منطبق نبوده و حالا وظیفه رهبران دولتهاست که این مهم را دریابند و توازنی بین اداره مطلوب جامعه و نیازمندیهای دنیای وابسته امروز ایجاد کنند».

کمیته حقوق بشر در معیت شورای حقوق بشر نیز با تحمیل مسئولیت گزارش‌دهی به کشورهای عضو و نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با نظارت‌های دقیق و سختگیرانه و تأکید بر الحاق کشورها به اساسنامه آژانس و امضای پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای ۱۹۶۸ و پادمان هسته‌ای به سوی کاهش اختیارات دولتها گام برداشته است.

معهدا تحدید حاکمیت از طریق منشور سازمان ملل متحد متوجه چهار جنبه از حیات بین‌المللی شده است:

۱- تکلیف به حل و فصل اختلافات و منع توسل به زور (وفق بند ۳ و ۴ ماده ۲، مواد ۳۳ منشور)

۲- تکلیف به خلع سلاح هسته‌ای بصورت افقی و عمودی

۳- تکلیف به رعایت حقوق بشر به ویژه در برخورد با تروریسم (بند ج ماده ۵۵ منشور)

۴- تکلیف به احترام به حق تعیین سرنوشت ملتها

در این راستا دولتها مکلفند از اهداف و اصول منشور ملل متحد پیروی کنند و از تصمیمات و قطعنامه‌های ارکان ملل متحد تبعیت نمایند. توسعه حقوق بشر و پیدایش نسلهای (ذاکریان، ۱۳۸۱، ص ۴۳) سه‌گانه حقوق بشر از مواردی است که موجب تعدیل حاکمیت دولتها شده است. توضیح اینکه نسلهای سه‌گانه حقوق بشر عبارتند از: نسل اول که متشکل از حقوق مدنی و سیاسی است، در نسل دوم به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده و نسل سوم که همان حقوق همبستگی یا حقوق جمعی است از حقوقی چون حق توسعه پایدار، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح بحث می‌کند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آزمایشات اتمی فرانسه^۵ (ICG) Reports, 1995, Para 10 در اقیانوس آرام به این مسأله پرداخت که: «هنگامیکه دول بیانیه‌های یکجانبه صادر می‌کنند به سوی محدودیت حاکمیت گام برمی‌دارند.» (کارو، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷) هدف اخلاقی سازمان ملل متحد از ایجاد این محدودیت برای حاکمیتها، ترویج حکومت قانون^۱ (Brownlie, 1995, p.21) در روابط بین‌الملل است.^۶ از جمله موازین بین‌المللی حقوق بشر که حصار به دور

5 - Request for an examination of the situation in accordance with paragraph 63 of the court 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand V. France) Case (1995).

6- Rule of law.

حاکمیت دولتها کشیده و آنها را مکلف به اتخاذ یک دسته اقدامات منسجم از جمله مبارزه با اشکال گوناگون تروریسم (مشابه قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت) نموده و از سوی دیگر به رعایت حقوق بشر وفق اعلامیه جهانی حقوق بشر و مصادیق آن تشویق نموده است. البته تحدید حاکمیت مختص دول عضو سازمان ملل متحد نیست. در عین حال ارزشهای مشترک بشری با گسترش همبستگی بین‌المللی موجب تحلیل حاکمیت شده است. نظم عمومی بین‌المللی موجب توجه به مفاهیمی همچون تعهدات بین‌المللی دولتها و ضرورت‌های جامعه بین‌المللی شده است. ایجاد قلمروهای نوین در بحث حاکمیت ناشی از ظهور مفاهیم و ارزشهای نوینی است که بر انسجام و احترام بشریت نهفته است. بشر امروز خسته از تنش‌ها، بدنبال صلح و دوستی است و چه بهتر که حاکمیت‌ها اولین گام را بردارند.

به لحاظ گسترش شبکه ارتباطات جهانی و افزایش آگاهیهای عمومی و رقابت جهانی در همه زمینه‌ها و بالاخره به هم پیوستگی جوامع تجاری و سیاسی و بین‌المللی معاصر (Shaw, 1994, pp.101-149-402) دولتها برخی محدودیتهای قانونی را بصورت اجباری پذیرفته‌اند. در خاتمه متذکر می‌شویم که حاکمیت دولتها تحت‌الشعاع سه موضوع بتدریج کمرنگ شده که عبارتند از:

۱- توسعه معاهدات در همه زمینه‌ها که رعایت تعهداتی را الزام‌آور کرده است.

۲- توسعه محدودیتهای حقوقی برای استفاده از زور

۳- ظهور سلسله مراتب در میان قواعد حقوق بین‌الملل که موجب ظهور قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام شده که ناقض هر نوع توافق مغایر با منافع کل جامعه بین‌المللی است.

مبحث دوم - تحول در اصل رضایت دولتها

در حقوق بین‌الملل کلاسیک رویه این است که هر معاهده بین‌المللی بعد از گذر از صافی رضایت دولتها به حیات خود ادامه می‌دهد. معهدات تحولات سالهای ۱۹۹۰ به بعد در جهت ایجاد تخصیص بر اصل رضائی بودن مشارکت در معاهدات گام برمیدارد که بیش از همه این تعدیلات در زمینه‌های حقوق بشر، مقابله با تروریسم، معاهدات در حکم قانون، معاهدات منعکس کننده وضعیت عینی، خروج از معاهده خلع سلاح، محیط زیست، کنترل تسلیحات، حقوق بشردوستانه و عدم گسترش سلاحهای کشتار جمعی گام برمی‌دارد (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷).

در گزارش هیات عالی‌رتبه دبیر کل سازمان ملل متحد در خصوص تهدیدات، چالشها و تغییر در سال ۲۰۰۴ میلادی تهدیدات جدیدی که متوجه جامعه بین‌المللی می‌باشد برشمرده شده‌اند از جمله: تروریسم، تولید و گسترش افقی و عمودی سلاحهای هسته‌ای با قابلیت کشتار جمعی، جنایات بین‌المللی سازمان یافته که هیچ مرزی نمی‌شناسد و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی رو به گسترش. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، دنیا تا امروز که سال ۲۰۱۱ میلادی است فقط سه دقیقه و سیزده ثانیه روی آرامش و صلح را به خود دیده است. بشر در ۲۰۰ سال گذشته به اندازه ۳۵۰۰ سال در جنگ بوده است. با اینکه اکثریت کشورها با بکارگیری قوا مراقب حملات گروههای تروریستی هستند اما بعد از ۱۱ سپتامبر تروریسم رشد سرسام‌آوری یافته و ترس و وحشت را برای جهانیان به ارمغان آورده است (Lowe, 2005, p.655). در زمینه حقوق بشر یک تعداد از قواعد بنیادین حقوق بشر^۸ در اسناد بین‌المللی در سطح جهانی و قاره‌ای ثبت و ضبط شده‌اند که از وضعیت قراردادی و شرط تبادل و لحاظ منافع خارج شده و با استمرار حالت عرفی

⁸ - Noyau Dur

و افزایش درجه و اهمیت آن بتدریج تبدیل به قواعدآمره حقوق بین الملل عام گردیده‌اند که رضایت دولتها برای اجرای آنها ضرورت ندارد.

بنابراین همانطور که کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اذعان داشته نقص قواعد آمره حقوق بشر از مسیر تروریسم عامل تهدید صلح و امنیت بین المللی و در نتیجه مخاصمات مسلحانه آینده است.

بر اساس ویژگی عرفی بودن قواعد حقوق بشر (مواد ۲ تا ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) کشورها ملتزم به حمایت از این دسته از قواعد هستند ولو اینکه در تهیه اسناد مربوط به آن اعم از کنوانسیون، میثاق و پروتکل مشارکت نداشته یا آن را تصویب نکرده باشند.

بنابراین از این جهت که موازین حقوق بشر ریشه در وجدان بین المللی دارند و با ذات و طبیعت جامعه بشری همخوانی داشته، حصول رضایت برای رعایت قواعد بنیادین حقوق بشر ضرورت ندارد. از طرفی نمی توان نسبت به برخی از مقررات آن حق شرط یا رزو قائل شد حتی در شرایط اضطراری و به خطر افتادن منافع عالیه کشورها،^۹ چرا که این دسته از ارزشها مصداق تعهدات در مقابل جامعه بین المللی^{۱۰} است و خصوصیت قراردادی ندارد.

نسل کشی، بردگی، شکنجه و دیگر رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی، تجاوز جنسی، ناپدید شدن اجباری، هر گونه تبعض، جرائم سازمان یافته و تجارت داروهای روانگردان اعمالی نیستند که دولتها مجاز باشند به عنوان سیاست خود آنها را تعقیب یا تشویق نمایند یا مرتکبین آن را بدون محاکمه و مجازات رها کنند، (Brownlie, 1995, p.84) بویژه تروریسم که در قطعنامه‌های 1368 و 1373 شورای امنیت

^۹ - این سوال مطرح می شود که کدام منفعت والاتر و برتر از رعایت حقوق بشر است؟

^{۱۰} - Erga Omnes Obligations

صریحاً کشورها متعهد به انجام اقداماتی جدی در برخورد با اعمال وحشیانه تروریستی شده‌اند و جامعه بین‌المللی دولتها من‌حیت المجموع تروریسم را به عنوان رفتاری مغایر حقوق بشر محکوم نموده است (Friendlander, 1986, p.373). روند حرکت حقوق بشر از حقوق توصیه‌ای (Soft law) به حقوق الزام‌آور (Hard law) موفقیت‌آمیز بوده است که خود پدیدآورنده همبستگی بین‌المللی است و جامعه بین‌المللی بعد از سالها تلاش آخرالامر موفق گردیده یک درک نسبی از اهمیت قواعد بنیادین حقوق بشر در ذهن دولتها و ملل ایجاد کند و همین وفاق باعث تبدیل این قواعد به قواعد آمره^{۱۱} حقوق بشری شده است (ذاکریان، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

معاهدات قانون‌ساز یا در حکم قانون نوع دیگری از تجلی تعدیل اصل رضایت دولتهاست که موجب قواعد حقوقی الزام‌آور و غیرقابل تخطی است (Akehurst, 1974-75, p.24). این گونه معاهدات اراده مشترک کشورها را وحدت می‌دهد و پدیدآورنده حقوق بین‌الملل عام می‌باشند که در حکم قوانین بین‌المللی بوده و رعایت آن برای تابعین اصیل حقوق بین‌الملل (کشورها و سازمانهای بین‌المللی) اعم از متعاقد و غیرمتعاقد الزامی است. به عبارت دیگر معاهدات قانون‌ساز قانو نگذاری بین‌المللی را در ذهن تداعی می‌کنند (Harris, 2004, p.44).

معاهدات دیگری که در آنها مصادیق تعدیل رضایت مشاهده می‌شود معاهدات مؤسس نهادهای بین‌المللی است که بنام معاهدات موجد وضعیتهای عینی معرفی شده‌اند. مفاد آنها حکایت از تعهداتی دارد که همه دول را مکلف می‌کند و از آنها می‌خواهد که معاهده‌ای بر خلاف مفاد معاهدات عینی منعقد نمایند (Brownlie, 1995, p.73). حالت چهارم از موارد تعدیل رضایت دولتها خروج از معاهدات است که به نسیب حقوق محتسب دیگر دولتهای عضو معاهده (بویژه معاهدات چند جانبه)

منجر می‌گردد (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۷۱). بنابراین گاهاً مصالح سیاسی مانع خروج از معاهدات می‌گردد.

شورای امنیت در قطعنامه ۸۲۵ راجع به کره شمالی اعلام داشت که «سایر کشورها با لحاظ حضور جمعی در یک چنین معاهداتی خود را به مفاد آن ملتزم نموده‌اند و خروج یک عضو به توافق جمعی دیگر اعضا صدمه وارد می‌کند. از این لحاظ کناره‌گیری از یک معاهده که حاوی قاعده آمره و تعهدات عام‌الشمول است نبایستی به این سهولت انجام گیرد.» با این حال حتی اگر بتوان از معاهده‌ای خارج شد باز هم مبنای عرفی تعهدات به عنوان دلایل التزام به تعهد، دولتها را متعهد به مفاد و مندرجات معاهدات می‌نماید و این تکالیف و اجبار ناشی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است که با حاکمیت دولتها در تعارض نیست (Brierly, 1977, p.205).

امروزه به عنوان یک اصل مسلم ثابت شده که حاکمیت و تداوم آن منوط به رعایت مقتضیات جامعه بین‌المللی و ارزشهای مقبول جمعی است که بعنوان اهداف و آرمانهای بشری معرفی شده‌اند (نادر ساعد، ص ۷۱). این ارزشها دلالت بر ظهور ساختارهای جدید حقوقی می‌نمایند که نظام بین‌الدولی را تغییر می‌دهند و آنرا به سوی یک نظام متمرکز و سازمان یافته برای برخورد با چالشهای جهانی هدایت می‌کنند (Tunkin, 1981, p.371).

مبحث دوم - هنجارهای برتر از اراده

علیرغم اینکه در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای پیش‌بینی نشده که دولتها را ملتزم به عقد معاهده و پذیرش تعهدات بین‌المللی نماید با این حال برای جامعه بین‌المللی قابل پذیرش نیست تعهدات که صرفاً متکی بر توافقات دولتها باشد و از تشخیص خود در اولویت دادن به پاره‌ای موضوعات و الزام به رعایت آن صرف‌نظر کند. یکی از مصادیق اینگونه الزامات ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد است که ناظر بر اولویت

تعهدات ناشی از منشور بر موافقتنامه‌های بین‌المللی بوده و محدود کننده اراده دولتهاست (Ragazzi, 1997, p.159). معهدا در جامعه بین‌المللی ارزشهایی وجود دارد که قوام مقررات حقوق بین‌الملل متکی بر آنهاست. این قواعد که از آنها به عنوان تکالیف عام‌الشمول بین‌المللی و قواعد آمره یاد می‌شود هنجارهایی هستند که مافوق اراده دولتها بوده و به لحاظ دارا بودن وصف عرفی، تمامی دول جهان را متعهد و مکلف فرض می‌نماید (فلسفی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۲). اینها ارزشهایی هستند که وجهه سیاسی‌شان کم رنگ بوده و همین کاستی، بهترین دلیل برای الزام‌آور شناختن و رعایت آنهاست بویژه که با نظم عمومی بین‌المللی نیز در ارتباط تنگاتنگ است.

مبحث سوم - تأثیر مقابله با تروریسم بین‌المللی بر تعهدات بین‌المللی دولتها

در جهان امروز حیات همه انسانها از سه زاویه در معرض تهدید است: تغییرات اقلیمی، سلاحهای کشتار جمعی (هسته‌ای) و تروریسم، (Friedlander, 1986, p.371) بخصوص تروریسم که هر روز در حال گسترش است و به یک تهدید فرامرزی (Shaw, 1994, p.725) و یکی از بزرگترین معضلات (Kirgis, 2005, p.1) جامعه بین‌المللی تبدیل شده است (Harris, 2004, p.940). واژه تروریسم از زبان فرانسوی مشتق شده و آن به معنی قتل سیاسی بوسیله اسلحه بوده و با تهدید مبهم و نامأنوس و غیرقابل پیش‌بینی توأم است. منشأ تاریخی واژه ترور به اواخر قرن نوزدهم و همزمان با انقلاب کبیر فرانسه برمی‌گردد که سرکوب مخالفان و دشمنان انقلاب با گیوتین اساس حکومت انقلابی فرانسه (دانت - روبسپیر - ناپلئون) قرار گرفت که سوء قصد علیه رهبران سیاسی با بمب‌گذاری و تخریب با هدف ایجاد تزلزل در ارکان دولت را سرلوحه اهداف خود قرار دادند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷). در میان ترورهای معرف قتل شاه الکساندر پادشاه یوگسلاوی سابق و لویی بارتل وزیر امور خارجه وقت فرانسه از مهمترین ترورهای قرن ۱۹ است. اولین کنوانسیون منع و مجازات تروریسم در سال ۱۹۳۷ توسط شورای جامعه ملل به تصویب

رسید (عبداللهی، ۱۳۸۱، ص ۱۷). مع‌الأسف ترس از دستیابی تروریستها به سلاحهای هسته‌ای هم‌اکنون از بزرگترین چالش‌های جامعه بین‌المللی کنونی است. در عین حال افزایش هواپیماربایی جامعه بین‌المللی را به انعقاد کنوانسیونهای ضد تروریستی تشویق کرد که شامل ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی است که عبارتند از:

- ۱ - کنوانسیون مقابله با جرائم و سایر اعمال ارتكابی در هواپیما ۱۹۶۳ توکیو ۲ - کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما ۱۹۷۰ لاهه ۳- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری ۱۹۷۱ مونترال که در قضیه لاکربی مورد استناد قرار گرفت. ۴- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک ۱۹۷۳ نیویورک ۵- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با گروه‌گانگی ۱۹۷۹ نیویورک ۶- کنوانسیون محافظت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۷۹ وین ۷- پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی خشونت‌آمیز در فرودگاههایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی است (الحاقی به کنوانسیون مونترال ۱۹۸۷) ۸- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی ۱۹۸۸ رم ۹- پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه سکوهای ثابت واقع در فلات قاره (الحاقی به کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی ۱۹۸۸ رم ۱۰- کنوانسیون علامتگذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی آنها ۱۹۹۸ مونترال ۱۱- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری تروریستی ۱۹۹۷ نیویورک ۱۲- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین تروریسم ۱۹۹۹ نیویورک (کاسسه، ۱۳۸۰، ص ۶۶).
دولتها دارای تعهداتی مختلفی بر اساس معاهدات دوازده‌گانه تروریستی و تعهدات دیگر بر اساس حقوق عرفی و قطعنامه‌های آمرانه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت می‌باشند (سادات میدانی، ۱۳۸۰، ص ۳۹). علاوه بر کنوانسیون‌های بین‌المللی جامعه بین‌المللی شاهد تصویب هفت کنوانسیون منطقه‌ای نیز می‌باشد که عبارتند از:

۱ - کنوانسیون سازمان دولتهای آمریکایی (OAS) برای پیشگیری و مجازات اعمال تروریستی (واشنگتن ۱۹۷۱) ۲- کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم (استراسبورگ ۱۹۷۷) ۳ - کنوانسیون منطقه‌ای سارک (SAARC) برای مقابله تروریسم (کاتماندو ۱۹۸۷) ۴ - کنوانسیون اتحادیه عرب برای مقابله با تروریسم (قاهره - ۱۹۹۸) ۵ - کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مقابله با تروریسم (بورکینافاسو ۱۹۹۹) ۶ - معاهده همکاری بین دولتهای عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع جهت مبارزه با تروریسم (۲۰۰۰). ۷ - کنوانسیون همکاری وحدت آفریقا جهت پیشگیری و مبارزه با تروریسم (۲۰۰۰) (دیهیم، ۱۳۸۱، ص ۹۷). عهدها مبارزه با تروریسم یک جنگ عقیدتی است و نباید جنگ مذهبی محسوب شود (خیری، ۱۳۸۵، ص ۱۱). با این حال گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری نسبت به تمامی حامیان تروریسم هر روز بیش از قبل در حال رشد است (اشتیاق، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

قصور یک دولت در پیروی از هنجارهای بنیادین حقوق بشر احتمالاً موجب می‌شود سازمانهای تروریستی (Henkin, 1985, p.343) به ساده‌ترین وجه به عضوگیری از میان ناراضیان، محرومان و آنهایی که حقوق بشرشان نقض شده پردازند (هافمن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲). تروریسم در کنار دیگر موضوعات نظیر فقر، بیماریهای واگیردار، تخریب محیط زیست، جنگ و خشونت میان دولتها و جنایات سازمان یافته فراملی از عواملی معرفی شده‌اند که علاوه بر اینکه امنیت انسانی را به مخاطره می‌اندازد به امنیت کشورها و جامعه بین‌المللی نیز خدشه وارد می‌آورند (Hoffman, 2004, p.933). بنظر می‌رسد رعایت قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص تروریسم به لحاظ وجود منافع مشترک برای کل بشریت و برای تمامی کشورها (Schrijver, pp.227-271) الزام‌آور است (سنلی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳۳). با این حال در عمل کشورها آمادگی لازم را برای مقابله با تهدیدات تروریستی ندارند.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۳۷۳، ۱۵۶۶ و ۱۶۱۷ و تأسیس کمیته ضد تروریسم و کمیته تحریمها به منع تأمین مالی و لجستیکی القاعده مبادرت ورزید (سپهر، ۱۳۸۵، ص ۹۴). تأثیر حقوقی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در حقوق بین الملل به اندازه‌ای گسترده و مؤثر بود که توانست عرف خلق الساعه‌ای را ایجاد کند که دامنه حق دفاع مشروع آمریکا و ناتو^{۱۲} (Goodhart, 1951, p.224) در ماده ۵۱ منشور را توسعه دهد (کاسه، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲، ص ۱۳۸). با این وجود شورای امنیت از همه دولتها می‌خواهد که فرآیند قانونگذاری و سایر اقداماتی (Bantekas, 2003, p.315) را که ضروری باشد از جمله پیشگیری از وقوع حوادث تروریستی (Kirgis, 2002, p.1) اتخاذ نمایند و مرتکبین اعمال تروریستی را دستگیر، محاکمه و مجازات نمایند (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷)، ضمن آنکه باید به نقض حقوق بشر (Kirgis, 2004, p.1) مسلمانان در سطح جهان به بهانه مبارزه با تروریسم خاتمه دهیم چرا که آن زمینه‌ساز اقدامات تروریستی شدیدتری است (بقائی ماهانه، ۱۳۸۰، ص ۱۶). تصویب قوانین داخلی با رعایت استانداردهای حقوق بشری و جرم‌انگاری پاره‌ای از اعمال در ردیف تروریسم، از اهم این اقدامات است (Sands, 2005, p.1). معهدا موازین بین‌المللی حقوق بشر از یکسو دولتها را به مبارزه با اقدامات تروریستی مکلف نموده و از سوی دیگر در فرآیند مبارزه با تروریسم رعایت استانداردهای حقوق بشری (Reydams, 2006, p.1) (حداقلهای حقوق بشر) را متعهد ساخته است. (زمانی، ۱۳۸۴، ص ۴۲).

اکثر قطعنامه‌های ارکان ملل متحد بویژه شورای امنیت و مجمع عمومی کشورها را تشویق و در صورت لزوم متعهد می‌کند که سریعاً دامنه مقررات حقوق بین‌الملل (Lehnedt, 2007, p.1) موجود را در خصوص جلوگیری، مهار و محو تروریسم در تمامی اشکال و جنبه‌های آن با هدف تضمین وجود چهارچوب قانونی

۱۲ - با استناد به ماده ۵ اساسنامه تأسیس ناتو که اعلام کرده: اگر به یکی از دولتهای عضو حمله مسلحانه شود هر یک از اعضای دیگر برای یاری دادن به طرف یا طرفهای مورد حمله بی‌درنگ منفرداً یا با موافقت سایر اعضا هر عملی را که مقتضی بدانند از جمله بکار بردن زور و نیروی نظامی انجام می‌دهد تا امنیت را مجدداً بر پای دارد.

جامع که تمام جوانب این مسأله را تحت پوشش قرار دهد مورد بازنگری قرار دهند (کنوانسیون بین‌المللی راجع به منع بمب‌گذاریهای تروریستی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲). بخصوص انسداد حسابهای مالی سازمانهای مشکوک به تروریسم و پولشویی (خامی زاده، ۱۳۸۲، ص ۶). همانطور که قبلاً اشاره کردیم یکی از نتایج بزرگ و در خور تعمق حادثه ۱۱ سپتامبر تحول در مبانی اصلی حقوق بین‌الملل در نحوه پذیرش و ایفای تعهدات بین‌المللی است. هم اکنون شورای امنیت طی قطعنامه‌های مکرر خود دولتها را ملزم می‌کند که اجازه ندهند سرزمین آنها به پایگاه عملیات تروریستی تبدیل شود یا اجازه اقدام تروریستی علیه دولتی دیگر را بدهند و در صورت حضور تروریستها در سرزمینهایشان آنها را دستگیر و خلع سلاح نمایند (لوو، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲) و محاکمه و مجازات نموده و یا مسترد نمایند (Cullen, 2008, p.1). بتدریج این ذهنیت در جامعه بین‌المللی در حال شکل‌گیری است که تروریسم (Ferencz, 1986, p.107) یک جنایت علیه بشریت است^{۱۳} (اسکوچور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶۳) بخصوص که تروریستها نه تنها از بمب که از باکتریها هم برای اشاعه وحشت در میان مردم و دولتها (Schindler, 1986, p.109) استفاده^{۱۴} (دهشیار، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹۵) و برای رسیدن به قدرت میان برمی‌زنند (رضائی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷۶) و جنگ نامرئی را به راه می‌اندازند (مختاری امین، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲۴).

شورای امنیت با این شعار که تروریسم تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است از کشورها می‌خواهد که با یکدیگر همکاری کرده و زمینه محاکمه فوری عاملان، سازمان دهندگان و تدارک دیدگان عملیات تروریستی را فراهم آورند. منظور شورا از کلیه کشورها در بند ۳ کشورهای عضو یا غیرعضو سازمان ملل متحد است. همینطور جامعه بین‌المللی کشورها را ملزم کرده که تلاش روزافزونی را برای پیشگیری و سرکوب عملیات تروریستی از جمله همکاری فزاینده و اجرای کامل

۱۳- تعییرات کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد و خانم‌میری رابینسون کمیسر عالی سازمان ملل متحد.

۱۴- اشاره به پخش باکتری سیاه زخم در پاکتهای پستی در آمریکا است در سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی توسط تروریستها.

عهدنامه‌های (Rosalyn, 1997, p.27) ضد تروریستی بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت مخصوصاً قطعنامه شماره ۱۲۶۹ (۱۹۹۹) در بند ۴ را از خود نشان دهند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳). شورای امنیت بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در قطعنامه ۱۳۷۳ از کلیه کشورها (Ramcharan, 2005, p.690) درخواست کرد تا از تأمین مالی حامیان اعمال تروریستی جلوگیری کرده و با آن مقابله نمایند و از هر نوع حمایت فعالانه از تروریستها و سازمانها یا نهضت‌هایی که مبادرت به عملیات تروریستی می‌کنند خودداری نمایند (والاس، ۱۳۸۲، ص ۳۱۰).

یکی از مشکلات جامعه بین‌المللی در حوزه تروریسم قبولاندن شکل‌گیری ائتلاف جهانی برای مبارزه با تروریسم میان کشورهاست (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲۹). دولتها سه تعهد عمده در رابطه با تروریسم بر عهده دارند: ۱ - دولتها متعهدند از ارتکاب اعمال تروریستی علیه کشورهای دیگر و یا علیه اشخاص بیگناه جلوگیری نمایند. ۲ - دولتها متعهدند که در امر پیشگیری، مبارزه با تروریسم و مجازات تروریستها با یکدیگر همکاری کنند. بخصوص جلوگیری از گسترش سندرم استکهلم^{۱۵} که موجب مشروعیت اقدامات تروریستها نزد افکار عمومی ملل جهان شود (Ottenhof, 2003, p.487). جهت بخشیدن به این اصول و تعهدات مستلزم تدوین اسناد بین‌المللی بوده که لازم است دولتها صریحاً اراده خود را در این زمینه منعکس نمایند. (دیپیم، ۱۳۸۱، ص ۸۶). ۳ - دولتها متعهدند که بر اساس کنوانسیونهای ضد تروریسم را محاکمه و مجازات نموده^{۱۶} و یا به مقامات و مراجع ذیصلاح (Stein 1986, p.229) بین‌المللی تحویل دهند. (فن گلان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳).

۱۵- سندرم استکهلم نوعی اظهار تمایل و همدردی از سوی قربانیان تروریسم یا بزه‌کارانی است که خواهان توجه به وضعیت آنها از سوی دولتهاشان است.

16 -Aut dedere Aut Judicare.

مبحث چهارم - تعهدات الزام‌آور قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد

در جنگ علیه تروریسم، کشورها و سازمانهای بین‌المللی نباید به جنگ افروزی میان ملتها و کشورها و برهم زدن صلح و امنیت بین‌المللی پردازند (لوو، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). اقدامات شورای امنیت بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر از این جهت حائز اهمیت است که شورا با تمسک به دکترین اختیارات ضمنی به قانونگذاری در مبارزه با تروریسم روی آورد بخصوص با صدور دو قطعنامه‌های ۱۳۷۳ (سنبل، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳۶) و ۱۳۶۸ که به لحاظ اهمیت این قطعنامه‌ها و تأثیری که بر تعدیل رضایت دولتها در التزام به تعهدات بجا گذاشت توجه مجددی را می‌طلبد. ابتدا متن قطعنامه ۱۳۷۳ را مورد بررسی قرار داده آنگاه به تحولات مبنایی در پذیرش الزامات حقوقی می‌پردازیم.

شورای امنیت قطعنامه ۱۳۷۳ را در سال ۲۰۰۱ میلادی صادر و مراتب ذیل را متذکر شد: با تأکید بر قطعنامه‌های ۱۲۶۹ (۱۹۹۹) (Ramcharan, 2005, p.687)، مصوبه ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ و ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) مصوب ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ و نیز با تأکید بر محکومیت صریح حملات تروریستی که روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، واشینگتن، پنسیلوانیا به وقوع پیوست و با ابراز اراده خود جهت جلوگیری از این گونه اعمال همچنین با تأکید بر این که این قبیل اعمال مانند هر گونه عمل تروریستی بین‌المللی به معنی تهدیدی برای امنیت و صلح جهانی است بر حق ذاتی دفاع از خود بصورت فردی یا جمعی که منشور سازمان ملل به رسمیت شناخته و در قطعنامه‌ی ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) بر آن تصریح شده است تأکید می‌نمائیم. با توجه به نیاز به مبارزه با تمام ابزارها بر اساس منشور سازمان ملل با تهدیداتی که متوجه امنیت و صلح بین‌المللی

از افزایش اعمال تروریستی ناشی از تعصبات کورکورانه در مناطق مختلف جهان که در حال گسترش است. با درخواست از کشورها جهت انجام همکاری عاجل به منظور جلوگیری و سرکوب اعمال تروریستی از جمله از طریق افزایش همکاری و اجرای کامل کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به

تروریسم به هر نحوی که مقدور است، با تشخیص نیاز به تکمیل همکاری بین المللی میان کشورها از طریق اتخاذ اقدامات بیشتر جهت جلوگیری و موقوف کردن تأمین مالی و آماده سازی هر گونه اعمال تروریستی در قلمرو خود با تمام ابزارهای قانونی (Saul, 2003, p.1) و با تأکید بر اصولی که مجمع عمومی در اعلامیه اکتبر ۱۹۷۰ (قطعنامه ی ۲۵) ۲۶۲۵) بنیاد نهاد و شورای امنیت در قطعنامه ۱۱۸۹ (۱۹۹۸) مصوبه ۱۳ اوت ۱۹۹۸ بر آن تصریح کرد، با این مضمون که هر کشوری وظیفه دارد از سازماندهی، برانگیختن، یاری رساندن یا مشارکت در اعمال تروریستی در کشور دیگر و نیز تن دادن به فعالیتهای سازمان یافته در قلمرو خود به منظور ارتکاب این قبیل اعمال اجتناب کند، بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل تصمیم می گیرد که تمام کشورها باید از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و آن را موقوف کنند (Rosand, 2003, p.335). ارائه یا جمع آوری رضایتمندانه منابع مالی از هر طریق مستقیم و غیرمستقیم توسط اتباع خود یا در قلمرو خود را که به منظور آن که از این منابع مالی جهت انجام اعمال تروریستی استفاده شود یا با علم به این که قرار است از آن منابع مالی به این منظور استفاده شود عملی مجرمانه قلمداد کنند.

بدون تأخیر منابع مالی و سایر دارایی های مالی یا منابع اقتصادی را مسدود کنند، منابع مالی و دیگر دارایی های مالی یا امکانات اقتصادی را که به طور مستقیم و غیرمستقیم به این قبیل افراد تعلق دارد یا در اختیار آنان است را فوراً مسدود کنند، منابع مالی و بویژه دارایی های مالی و منابع اقتصادی اشخاص و نهادهایی را که از طرف یا به دستور این قبیل افراد و نهادها عمل می کنند فوری مسدود کنند، از جمله منابع مالی مشتق یا تولید شده از اموالی که مستقیم یا غیرمستقیم به این قبیل افراد و نهادهای وابسته تعلق دارد یا در اختیار آنان است، همچنین تصمیم می گیرند که تمام کشورها باید از ارائه هر گونه به یا اشخاصی که در تروریسم دخالت دارند خودداری کنند از جمله با موقوف کردن (Stromseth, 2003, p.41) عضوگیری گروه های تروریستی

و از بین بردن عرضه اسلحه به تروریست‌ها، اقدامات لازم از جمله با دادن هشدار اولیه به سایر کشورها از طریق مبادله اطلاعات و از پناه دادن به کسانی که اعمال تروریستی را تأمین مالی، طراحی و پشتیبانی می‌کنند یا مرتکب می‌شوند یا به آنها امان می‌دهند خودداری کنند، مانع استفاده از سرزمین خود بر ضد سایر کشورها یا شهروندان خود توسط کسانی شوند که اقدامات تروریستی را تأمین مالی، طراحی، تسهیل یا انجام می‌دهند.

همچنین از این امر اطمینان حاصل کنند که هر کس که در تأمین مالی، طراحی، آماده‌سازی یا ارتکاب اعمال تروریستی یا پشتیبانی از اعمال تروریستی شرکت دارد به دست عدالت سپرده شود. در ارتباط با تحقیقات جنایی یا جریان رویه جنایی در زمینه تأمین مالی یا پشتیبانی از اعمال تروریستی بیشترین همیاری را به یکدیگر عرضه دارند، از جمله مشارکت در کسب شواهد در اختیار آنان که برای ادامه جریان رویه لازم است. با اعمال تدابیر مؤثر کنترل مرزی و کنترل صدور اوراق هویت و اسناد مسافرت و از طریق اقدامات پیشگیرانه از جعل اسناد یا استفاده فریب‌آمیز از اوراق هویت و اسناد مسافرت از تحرک تروریست‌ها یا گروه‌های تروریستی جلوگیری کنند. بنابراین از تمام کشورها می‌خواهد که در پی یافتن راه‌هایی جهت تقویت و تسریع مبادله اطلاعات عملیاتی برآیند به ویژه در مورد اقدامات یا تحرکات افراد یا شبکه‌های تروریستی بر اساس قوانین داخلی و بین‌المللی مبادله اطلاعات و در زمینه مسائل اداری و قضایی به منظور جلوگیری از اعمال تروریستی همکاری کنند. به منظور جلوگیری و سرکوب اعمال تروریستی و اتخاذ اقدام علیه مرتکبین این قبیل اعمال همکاری کنند به ویژه از طریق ترتیبات و موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه و هر چه سریع‌تر به کنوانسیونها و پروتکل‌های مربوط به تروریسم پیوندند (Davidsson, 2006 p.55) از جمله کنوانسیون بین‌المللی توقف تأمین مالی تروریسم مصوبه ۹ دسامبر ۱۹۹۹. بر طبق مفاد حقوق داخلی و بین‌المللی، از جمله

معیارهای بین المللی حقوق بشر اقدامات لازم را پیش از اعطای پناهندگی اتخاذ کنند تا از این امر اطمینان حاصل کنند که پناهجو اعمال تروریستی را طراحی، تسهیل یا در ارتکاب آن شرکت نداشته است. یا از پناهندگی سوء استفاده نکنند.

با نگرانی به ارتباط تنگاتنگ بین تروریسم بین المللی و جنایت سازمان یافته فرامرزی، مواد مخدر، تطهیر پول، داد و ستد غیرقانونی اسلحه و جابجایی غیرقانونی مواد هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و سایر مواد بالقوه مرگبار اشاره می‌کند و در این ارتباط بر نیاز به تقویت همکاری تلاشها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین المللی به منظور تحکیم پاسخ جهانی به این چالش جدی و تهدید نسبت به امنیت بین المللی تأکید می‌کند.

اعلام می‌کند که اعمال، روشها و اقدامات تأمین مالی آگاهانه و طراحی و تحریک تروریستی مغایر اهداف و اصول سازمان ملل است (Frowein, 1989, p.76). و تصمیم می‌گیرد که بر اساس ماده ۲۸ آئین نامه داخلی شورا کمیته‌ای را در شورای امنیت متشکل از تمام اعضای شورا تشکیل دهد تا بر اجرای این قطعنامه نظارت کند و از تمام کشورها می‌خواهد که حداکثر ظرف ۹۰ روز از تصویب این قطعنامه و پس از آن بر اساس جدول زمانی که کمیته پیشنهاد خواهد کرد در مورد اقداماتی که در جهت اجرای این قطعنامه انجام داده‌اند به این کمیته گزارش دهند.

قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) (اسکویجور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵۲) از لیست جامع ویژه از اقداماتی که تمامی دولتها قانوناً متعهد به اجرای آنها هستند پیروی می‌کند. متن قطعنامه حاوی هشت نوع الزام و اقدام از سوی کشورهاست و شامل اقدامات پیشگیرانه یا بازدارنده، اقدامات اقتصادی، مالی و خدماتی، اقدامات کیفری، ممنوعیتهای حمایتی و پناهندگی، مبادله اطلاعات، ضرورت انعقاد، اجرا و الحاق به تعهدات ضد تروریسم،

مغایرت تروریسم با اصول و اهداف سازمان ملل متحد و بالاخره نظارت و پیگیری اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ است.

در عین حال در جنگ علیه تروریسم نباید حقوق بشر قربانی شود (هافمن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). قطعنامه ۱۴۶۵ (۲۰۰۳) شورا رعایت تعهدات بین‌المللی از جمله قواعد حقوق بشر بین‌المللی (ارکلش ویلی، ۱۳۸۴، صص ۶۶ و ۸۴). حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه را به لحاظ ویژگی آمرانه این حقوق مورد تأکید قرار داد و آخر الامر اینکه مجمع عمومی مدتها قبل طی قطعنامه ۱۹۷۰ از دولتها خواسته بود که از سازماندهی و مساعدت (Rosand, 2004, p.745) به اعمال تروریستی در کشورهای دیگر خودداری نمایند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵).

مبحث پنجم - الزامات حقوقی قطعنامه ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد

گفته شد که برخی از کنوانسیونهای بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی عام نظیر شورای امنیت (۱۳۶۸ و ۱۳۷۳) قواعد آمره‌ای را تدوین می‌کنند که برای همه کشورهای عضو لازم‌الاجراست بدون لحاظ اصل نسبی بودن معاهدات نسبت به غیر اعضا قطعنامه‌های ضدتروریستی نمونه قابل لمس از این نوع اسناد بین‌المللی‌اند. به این صورت که حتی اگر کشوری عضو سازمان ملل متحد یا یکی از ملحقین به کنوانسیونها نباشد طبیعتاً حق تخطی از این قطعنامه‌ها را ندارد. اینگونه کشورها مجاز نیستند با توسل به اصل نسبی بودن معاهدات یا اصل رضایت دولتها در التزام به تعهدات بین‌المللی به انجام اقدامات موافق حملات تروریستی از قبیل تأمین مالی، حمایت و اعطای پناهندگی، تسهیل حملات، حمایت سیاسی و بدون کیفر گذاشتن تروریستها مبادرت ورزند (امین‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۶۱). در این قطعنامه اقدامات اجرایی به عهده سازمان ملل متحد و دفاع مشروع فردی و یا جمعی از تعهدات کشورها برشمرده شده است. لحن الزام‌آور قطعنامه (Manusama, 2001, p.224) نشان از عزم شورای امنیت در اقدام سریع، موثر و قاطع دارد چرا که به زعم شورا حملات

تروریستی با حمله مسلحانه برابر بود و حق دفاع مشروع بصورت خودبخود^{۱۷} ایجاد می‌شود. در این قطعنامه نیز فرد، سازمان یا کشور خاصی به عنوان مسئول حادثه ۱۱ سپتامبر مشخص نشده معهدا رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا وضعیت جنگی اعلام کرد و قول داد با شدت هر چه تمام تلافی کند^{۱۸} (امین‌زاده، ۱۳۸۱، صص ۶۸ و ۷۵).

برخی بر این باورند که شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۳۶۸ با جمع میان اصل سرزمینی،^{۱۹} اصل آثار و توابع،^{۲۰} اصل تابعیت،^{۲۱} اصل حمایتی،^{۲۲} اصل تبعی بودن شخصیت فردی^{۲۳} و صلاحیت جهانی^{۲۴} از کشورها خواسته با تروریستها در هر مکان و زمانی به جدال پردازند (دیهم، ۱۳۸۱، ص ۹۹). بهترین مبنای حقوقی الزام تعهدات این قطعنامه‌ها فصل هفتم و ماده ۲۵ منشور است (دیهم، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹). کمترین تأثیر این قطعنامه (Staha, 2001, p.124) اقدامات دولتها در حوزه تقنینی، اجرایی، قضایی و نظامی بوده است (کدخدایی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳). اکنون به بحث راجع به قطعنامه ۱۳۶۸ می‌پردازیم و سپس آن را در ترازوی نقد و تحلیل خواهیم سنجید.

۱۱ : ۱ - اصل سرزمینی؛ ۱۳۶۸ شورای امنیت؛ ۱ - محکومیت قاطعانه

عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر برجهای دو قلوی سازمان تجارت جهانی ۲ - تروریستی قلمداد کردن حادثه ۱۱ سپتامبر آن هم به فوریت و بدون بررسی و تعمق کافی که حکایت از آن دارد که این محکومیت به نوعی دارای ماهیت سیاسی است.

17 - Ipso facto.

18 - بوش نام عملیات بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر را عدالت بی‌پایان نامید.

19 - Territorial principle

20 - Effects principle

21 - Nationality principle

22 - Protective principle

23 - Passive personality principle

24 - Universal Jurisdiction

۳ - نفی عملیات ۱۱ سپتامبر به منزله تروریسم بین‌المللی^{۲۵} - عملیات تروریستی بین‌المللی فوق‌تهدیدی است علیه صلح و امنیت بین‌المللی، از آنجا که طبق نص صریح منشور ملل متحد و تفسیر مضیق از آن، شورای امنیت تنها^{۲۶} (دیپیم، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹) در مواردی مجاز به مداخله است که صلح و امنیت بین‌المللی مورد تهدید قرار گرفته یا نقض شده و یا عمل تجاوز صورت گرفته باشد (ماده ۳۹ منشور)، و بنابراین قطعنامه ۱۳۶۸ جنبه عمومی دارد. این اولین بار نیست که شورای امنیت اصل رضایت دولتها (Goodman, 2002, p.532) را کنار زده و به قاعده‌سازی و ایفاء نقش جدید می‌پردازد. قطعنامه از کشورها می‌خواهد که با مسدود کردن منابع تأمین مالی و منابع زیرزمینی پول‌رسانی به عملیات تروریستی این حملات را خنثی کنند (نورتون، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶).

در این قطعنامه هم بر اجرای قطعنامه ۱۲۶۹ (۱۹۹۹) که مربوط به تروریسم است تأکید شده و از عملیات نظامی تفنگداران دریایی آمریکا در حمله به مواضع تروریستها در افغانستان حمایت شده است. معهذاً هر نوع تخطی از اصول حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم محکوم به شکست بوده و نتیجه‌ای جز از هم‌پاشیدگی نظام بین‌المللی نخواهد داشت و بعید نیست شورای امنیت در اجرای ماده ۲۵ منشور تروریستها را بعد از دستگیری تحویل دیوان کیفری بین‌المللی بدهد.

معهذاً شورای امنیت باید در مبارزه با تروریسم به سه قاعده مهم توجه نمایند: ۱ - رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۲ - لزوم احترام به حاکمیت داخلی دولتها ۳ - لزوم نظارت و تمرکز بر عملیات نیروهای نظامی (رشیدی نژاد، ۱۳۸۶، صص ۸۱-۸۹-۹۵).

^{۲۵} - هنوز جامعه بین‌المللی تعریفی از تروریسم بین‌المللی بعمل نیاورده و معاملات حملات ۱۱ سپتامبر معرفی و مشخص نشده‌اند (فرد، گروهها، سازمانها یا کشورهای مظنون) به این جهت تلقی حملات به عنوان تروریسم بین‌المللی مجل تأمل است.

^{۲۶} - هنوز در مورد صلاحیت انحصاری و صلاحیت اولیه شورای امنیت در تصمیم‌گیری‌های این نهاد بین‌المللی اختلاف عقیده وجود دارد.

لحن قطعنامه شورا از لفظ تخییر در اجرای تعهدات سخنی به میان نیاورده است (سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۴۰). در این قطعنامه شورا به مانند یک قانونگذار بین‌المللی رفتار کرده است. علیرغم تمام تمهیداتی که از سوی جامعه بین‌المللی پس از حوادث دلخراش ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جهت مبارزه‌ای قاطعانه با تروریسم صورت گرفت باز هم هرروز شاهد وقوع عملیات تروریستی بزرگ در جهان بوده و هستیم (زر نشان، ۱۳۸۶، ص ۵۹)

نتیجه‌گیری

افزایش تهدیدات بین‌المللی بخصوص مخاصمات مسلحانه و نسل‌کشی‌های چند دهه اخیر در بوسنی هرزه‌گوین و رواندا و سیرالئون و تروریسم موجب نیاز به افزایش نقش سازمانهای بین‌المللی بویژه سازمان ملل متحد در مدیریت بحرانهای حادث در جامعه بین‌المللی بصورت ایجاد هنجارهای جدید در زمینه تحدید حاکمیت دولتها گردیده است.

در عین حال تحولات اخیر در حوزه روابط بین‌الملل بیش از همه حول سه محور حاکمیت، امنیت و همکاری بین‌المللی تجلی یافته و تأثیر هنجارها و ارزشهای بین‌المللی به حدی افزایش یافته که دولتها چاره‌ای جز سازگاری با فرآیندهای جمعی در حال تکامل جامعه بین‌المللی ندارند.

گفتیم که تعهد و الزام به آن یکی از چالش‌های مستمر نافیان حقوق بین‌الملل است. مباحث را از شناسایی جامعه بین‌المللی آغاز و به کنکاش در خصوص ماهیت این جامعه پرداختیم و اینکه جامعه بین‌المللی جامعه‌ای متفاوت از جوامع داخلی است چرا که در جوامع اخیر اصل حاکم بر پذیرش و اجرای تعهدات، رابطه و پیوند تبعیت بوده، حال آنکه در جامعه بین‌المللی که کشورها دارای حاکمیت برابر هستند همکاری عنصر مقوم در ایجاد و اجرای تعهدات بین‌المللی است.

حقوق بین‌الملل بعنوان نظام حقوقی حاکم بر جامعه بین‌المللی از ساختار ویژه‌ای تبعیت می‌کند و هرم قواعد حقوقی هنوز در آن تعریف نشده است. وحدت واضح و تابع در جامعه بین‌المللی به این جامعه و نظام حقوقی حاکم بر آن ویژگی منحصر بفردی داده است (فلسفی، ۱۳۷۰: ۶۸).

با این حال جامعه بین‌المللی هنوز هم بدنبال متحد کردن کشورهای است که از اتحاد واقعی گریزانند و سازمان ملل متحد در جهانی نامتحد با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است که بزرگترین آنها تقدس حاکمیت دولتهاست (Wildhaber, 1996, p.425). در این جامعه هنوز از تجانس معنوی و واقعی میان دولتها خبری نیست. علیرغم اینکه جامعه بین‌المللی تشکیل یافته در عین حال صحبت از فعلیت اراده این جامعه با شک و تردید توأم است. با این وصف چالش اصلی پیش‌روی حقوق بین‌الملل ایجاد توازن میان منافع ملی و منافع بین‌المللی (اراده جمعی و فردی دولتهای عضو جامعه بین‌المللی) و ترغیب همکاری (Adede, 1986, p.1001) میان این دولتهاست (فلسفی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷).

بنظر می‌رسد موانعی چند (Mosler, 1984, p.43) از شکل‌گیری اراده جامعه بین‌المللی جلوگیری می‌کند. این موانع عبارتند از: موانع عقیدتی و فرهنگی، موانع سیاسی، موانع اقتصادی و موانع فنی (Cabanelas, 1985, p.506). مانع فرهنگی و ایدئولوژیکی موجب تمایز نگاه به موضوعات مطرح در روابط بین‌الملل می‌گردد برای مثال آنچه را که مسلمانان به عنوان مبارزات آزادیبخش ارج می‌نهند از دیدگاه غریبه‌ها عملیات تروریستی (Wafa, 2005, p.325) قلمداد می‌شود. در عین حال مانع سیاسی که با رفتارهای چندگانه و بعضاً متعارض کشورها و سازمانهای بین‌المللی توأم است از شکل‌گیری قواعد یکپارچه ممانعت بعمل می‌آورد از جمله در زمینه جنگ با تروریسم (Davidsoon, 2006, p.45).

خوشبختانه جامعه بین‌المللی در تلاش برای تحقق اخلاقی، انسانی، (Covey, 1986, p.1207) جهانی و اجتماعی شدن روابط میان دولتهاست.^{۲۷} در عین حال حال روند حرکت نظام بین‌المللی بتدریج در حال سیر از قدرت محوری به قانون محوری است که موجب گردیده که نهادهای بین‌المللی و دولتها ارتباط بیشتری (Johnston, 2005, p.11) با مقررات و ضرورت‌های حقوق بین‌الملل داشته باشند (سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱). در عین حال هم‌اکنون از اختیارات دولتها در زمینه قانونگذاری و اجرائی (Skubiszewski, 1983, p.99). در قلمرو خود کم‌کم کاسته شده و بتدریج این اختیار به کلیت جامعه بین‌المللی محول می‌گردد و دولتها به عنوان مجریان قواعدی عمل خواهند کرد که از سوی جامعه بین‌المللی تهیه و دیکته می‌شود (میرزائی ینگجه، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸).

امروزه با گسترش همبستگی بین‌المللی و شکل‌گیری نوعی ارزشهای مشترک بشری در اذهان اعضای جامعه بین‌المللی مانند مسائل مربوط به مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر و محیط زیست بین‌المللی (Kiss, 2005, p.1069) اینگونه موضوعات عملاً خارج از صلاحیت انحصاری کشورها تلقی می‌شوند (سیفی، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ ص ۲۴۷).

شورای امنیت این اختیار را دارد که تعهداتی را که ویژگی عام‌الشمول دارند و ذینفع و متعدده آنها دول عضو جامعه بین‌المللی است در قالب قطعنامه‌های صادره وفق فصل ۷ منشور قرار داده و به کلیه دولتها اعم از عضو و غیرعضو تسری دهند. اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت با ویژگیهای فوق برای دول غیرعضو مبتنی بر مبانی عرفی بوده و منوط به شرط تبادل قراردادی نیست و دول عضو کماکان بر اساس پیوند قراردادی ملتزم شناخته می‌شوند.

۲۷ - تحرک بخشیدن به این شاخص‌ها از Soft Law (توصیه‌ای) به Hard Law (الزام‌آور شناختن آنها) و هم‌بظور تبدیل Lex ferenda (حقوق آرمانی) به Lex lata (حقوق موجود و در حال اجرا).

تحولات روزافزون و تأثیرگذار در روابط بین‌الدول و ضرورت حفاظت از نظم عمومی بین‌المللی اندیشه‌های جدیدی را در افکار جهانیان جای داده که در شکل قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام و تکالیف عام بین‌المللی تجسم یافته‌اند. تعهداتی که شرط تبادل قراردادی و نفع انفرادی دولتها در مقابل آن محلی از اعراب ندارد و دولتها نمی‌توانند حتی به بهانه صدمات خطیر به منافع عالیه از رعایت آنها شانه خالی کنند.

بیاد آوریم عهدی را که در سال ۱۹۴۵ جهانیان با هم و بخاطر هم بستند و بنام ملل متحد خود را متعهد به انجام اهدافی کردند از جمله اینکه که دیگر از جنگ و ستیز در عالم خبری نباشد. متعهد شدیم در مقابل نقض حقوق بشر با اقتدار بایستیم، از تکرار نسل‌کشی جلوگیری کنیم، از گسترش سلاحهای هسته‌ای ممانعت بعمل آوریم، بر اجرای مقررات حقوق بشردوستانه نظارت کنیم، به ظهور دیکتاتورها و تروریستها پایان دهیم و خاطیان تعهدات بین‌المللی را کیفر دهیم، به گرسنگی و فقر و بیماریهای اپیدمیک و صعب‌العلاج پایان دهیم و آماده برخورد متناسب با رویدادهای پیش‌رو باشیم. معه‌ذا جامعه بین‌المللی درصدد نیست و قصد ندارد حاکمیت دولتها را از ریشه برچیند در عین حال تلاش دارد از محوریت آنها بهن عنوان شاخص رفتاری دولتها بکاهد. حال که برخی کشورها نسبت به برچیدن بساط تروریسم قدمی برنمی‌دارند و آن را جدی نمی‌گیرند این تکلیف بر عهده جامعه بین‌المللی است که با قانونگذاری منطقی این فاجعه را ریشه‌کن کنند. کلام آخر اینکه در ۷۰ سال اخیر جامعه بین‌المللی تحولات شگرفی را در بُعد هنجاری حقوق بین‌الملل و از حیث ساختار نظام حقوق بین‌الملل تجربه کرده است. ۷۰ سال قبل مفهوم قانون یا هنجارهای برتر از اراده در جامعه بین‌الملل به شعارهایی اخلاقی بیشتر شباهت داشت. اما امروز به سوی تحقق جامعه‌ای قانونمدار متشکل از تمام

بازیگران بین‌المللی قدم برمی‌دارم و این همان افق درخشان جامعه بین‌المللی است که در شعار همه برای یکی و یکی برای همه متجلی شده است.

فهرست منابع:

الف) فارسی:

- ۱- افتخارجهرمی، گودرز، صلاحیت ملی دولتها و منشور ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۶، (۱۳۷۴ و ۱۳۷۵).
- ۲- ابراهیمی، شهروز، تحدید حاکمیت ملی دولتها با مداخله‌گرایی سازمان ملل بعد از جنگ سرد، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، (۱۳۸۳).
- ۳- ابراهیمی، سید نصرالله، درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن، مجله حقوقی، شماره ۲۲، (۱۳۷۴).
- ۴- اردبیلی، محمد علی، مفهوم تروریسم، از کتاب تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- ۵- ارکلش‌ویلی، آکساندر، تأثیر قواعد آمره حقوق بین‌الملل بر تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، ترجمه سیدقاسم زمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷، (۱۳۸۴).
- ۶- امین‌زاده، الهام، مفهوم دفاع مشروع در قبال تروریسم در کتاب تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- ۷- امین‌زاده، الهام، میزگرد تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مورخه ۸۰/۱۰/۶، مرز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).

- ۸- اسکویجور، نیکو، پاسخ به تروریسم بین المللی، توسعه مرزهای حقوق بین الملل به سوی آزادی پایدار، ترجمه محسن شریفی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، (۱۳۸۰).
- ۹- اشتیاق، وحید، گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، واکنش واقع گرایانه به آثار توسعه، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۱، (۱۳۸۶).
- ۱۰- باقرپوراردکانی، عباس، درآمدی معرفت شناختی بر حقوق بین الملل، سالنامه ایرانی حقوق بین الملل و تطبیقی، شماره اول، (۱۳۸۴).
- ۱۱- بقائی ماهانه، اسماعیل، تروریسم و حقوق بشر، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی، شماره ۱، (۱۳۸۰).
- ۱۲- بعیدی نژاد، حمید و دریائی، محمدحسن و علی آبادی، مهدی، تحول در ساختار نظام ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، (۱۳۸۴).
- ۱۳- توحیدی فرد. محمدرضا: ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، (۱۳۸۱).
- ۱۴- خمایی زاده، فرهاد، مبارزه با پول شویی در بانکها و موسسات مالی نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی، شماره ۲۹، (۱۳۸۲).
- ۱۵- خبیری، کابک، نگرشی انتقادی بر مؤلفه‌های استراتژی امنیت ملی جدید آمریکا، پژوهشنامه امنیت بین المللی و تروریسم، شماره ۳، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص نظام، (۱۳۸۵).
- ۱۶- دیهیم، علیرضا، نگاه اجمالی به کنوانسیونهای بین المللی مقابله با تروریسم، در کتاب تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدماتی اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).

- ۱۷- دیهیم، علیرضا، میزگرد تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مورخه ۸۰/۱۰/۵، مرکز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- ۱۸- دهشیار، حسین، تروریسم و چالش تئوریک سیستم دفاع موشکی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، (۱۳۸۰).
- ۱۹- ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- ۲۰- ذاکریان، مهدی، جهان شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، نشر میزان چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۲۱- رشیدی نژاد، زینب، موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت، مجله حقوقی، شماره ۳۷، (۱۳۸۶).
- ۲۲- رضائی، علی‌اکبر، مشکلات ائتلاف علیه تروریسم، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، (۱۳۸۰).
- ۲۳- رضائی، علی‌اکبر، دو ساعتی که جهان را تکان داد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، علل و نتایج، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، (۱۳۸۰).
- ۲۴- زمانی، سیدقاسم، جایگاه موازین بین‌المللی حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۸، (۱۳۸۴).
- ۲۵- زرنشان. شهرام: شورای امنیت و تعهدات دولتها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی، شماره ۳۶، (۱۳۸۶).
- ۲۶- سادات میدانی. سیدحسین: صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۸۴).

- ۲۷- سادات میدانی، سیدحسین، حقوق حاکم بر دفاع از خود در پرتو حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی، شماره ۱، (۱۳۸۰).
- ۲۸- ساعد، نادر، تأملی بر اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات در آیینہ تحولات بین المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، مجله حقوقی، شماره ۳۲، (۱۳۸۴).
- ۲۹- ساعد، نادر، حقوق بین الملل و نظام عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، (۱۳۸۴).
- ۳۰- سنبلی، نبی، بررسی عملکرد سازمان ملل در زمینه مقابله با تروریسم، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، (۱۳۸۰).
- ۳۱- سپهر، حسن، شورای امنیت و تشدید فشار بر القاعده، پژوهشنامه امنیت بین المللی و تروریسم، شماره ۲، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۵).
- ۳۲- سلیمی، صادق، جنایت سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن، مجله حقوقی، شماره ۲۹، (۱۳۸۲).
- ۳۳- سمیرا، سیف، خطرات هولناک و کنترل تسلیحات بیولوژیک، پژوهشنامه خلع سلاح، شماره ۳، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۵).
- ۳۴- سیفی، سیدجمال، تحولات مفهوم حاکمیت دولتها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملتها، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، (۱۳۷۳ و ۱۳۷۴).
- ۳۵- سیاه رستمی، هاجر، قطعنامه‌های شورای امنیت و رأی دیوان بین المللی دادگستری از کتاب مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، ذاکریان، مهدی، نشر میزان، چاپ اول (۱۳۸۳).

۳۶- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، تحلیل فصلنامه‌های اخیر شورای امنیت در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی در کتاب، **تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل**، مرکز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).

۳۷- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، **حقوق بین‌الملل عمومی**، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۲، (۱۳۸۴).

۳۸- فیوضی، رضا، **حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع**، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، (۱۳۷۹).

۳۹- عبدلهی، محسن، پیامدهای حوادث ۱۱ سپتامبر بر مبارزه با تروریسم، **مجله اطلاع‌رسانی حقوقی**، شماره اول، (۱۳۸۱).

۴۰- فلسفی، هدایت‌الله، روشهای شناخت حقوق بین‌الملل، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۹، (۱۳۷۰).

۴۱- فلسفی، هدایت‌الله، **حقوق بین‌الملل معاهدات**، چاپ دوم، فرهنگ نشر نو، (۱۳۸۳).

۴۲- کاسسه، آنتونیو، حمله به مرکز تجارت جهانی و فروپاشی برخی از بنیادهای اساسی حقوق بین‌الملل، ترجمه محمد جواد میرفخرایی، **مجله حقوقی**، شماره ۲۶ و ۲۷، (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲).

۴۳- کاسسه، آنتونیو، تروریسم برخی از مقوله‌های حقوقی بسیار مهم حقوق بین‌الملل را نیز به هم ریخته است، ترجمه فردوس زارع قاجاری، **بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی**، شماره ۱، (۱۳۸۰).

۴۴- کارو، دومینیک، **حقوق بین‌الملل در عمل**، ترجمه مصطفی تقی‌زاده انصاری، نشر قومس، چاپ اول، (۱۳۷۵).

- ۴۵- کدخدایی، عباسعلی، دادگاههای نظامی مبارزه با تروریسم، نقش آشکار حقوق بشر، در کتاب تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، (۱۳۸۱).
- ۴۶- کنوانسیون بین المللی راجع به منع بمب گذاریهای تروریستی، مجله حقوقی، شماره ۲۳، (۱۳۷۷).
- ۴۷- کلییار، کلود آلبر، نهادهای روابط بین الملل، ترجمه و تحقیق از هدایت الله فلسفی، چاپ اول، نشر نو، (۱۳۶۸).
- ۴۸- لوو، واگان، بحران عراق؛ اکنون چه باید کرد؟ (بررسی اشغال عراق در پرتو حقوق بین الملل)، ترجمه محسن مجلسی، مجله حقوقی، شماره ۳۱، (۱۳۸۳).
- ۴۹- لوی، ورنر، تعامل میان حقوق و سیاست بین الملل، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱، (۱۳۸۱).
- ۵۰- مختاری امین، مرتضی، چهره جدید جهان، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، (۱۳۸۰).
- ۵۱- میرمحمدصادقی، حسین، ملاحظاتی درباب تروریسم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴ و ۳۳، (۱۳۸۰).
- ۵۲- میرزائی ینگجه، سعید: تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، (۱۳۷۳).
- ۵۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، رهیافت جرم شناختی و بزه دیده شناختی به تروریسم (تحلیل جرم شناختی تروریسم)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، (۱۳۸۳).
- ۵۴- نورتون، ژورف جی و شمس، هبا، قانون پولشویی و تأمین منابع مالی تروریسم، واکنش های پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه محمدجواد میرفخرائی، مجله حقوقی، شماره ۲۹، (۱۳۸۲).

- ۵۵- والاس، ربکا، **حقوق بین الملل**، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، (۱۳۸۲).
- ۵۶- هافمن، پل، **حقوق بشر و تروریسم**، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، **مجله حقوقی**، شماره ۳۴، (۱۳۸۵).

ب) انگلیسی:

- 57- Adede, A.O, The minimum standards in a world of disparities, in R.St.J. Macdonald and Douglas M. Johnston, the structure and process of international law: Essays in legal philosophy doctrine and theory, martinus nijhoff publishers, (1986).
- 58- A.L, Goodhart, the North Atlantic Treaty of 1949, Recueil des cours, academie de droit international, (1951).
- 59- Akehurst, Micheal, The hieararchy of the sources of international law, British yearbook of international law, Vol, 47, (1974-75).
- 60- Bantekas, Ilias, the International Law of Terrorist Financing, American journal of international law, Vol.97, (2003).
- 61- Brownlie, Ian, International law at the fiftieth anniversary of the United Nations, Recueil des cours, academie de droit international, Vol.255, (1995).
- 62- Brierly, James Leslie, The basic of obligation in international law, scientia Verlag Aalen, (1977).
- 63- Cabanellas, Guillermo, technology, Encyclopedia of public international law, Vol.8, (1985).
- 64- Covey. T, Oliver, The future of idealism in international law: structuralism, humanism, and survivalism, in R.St.J. Macdonald and Douglas M. Johnston, the structure and process of international law: Essays in legal philosophy doctrine and theory, martinus nijhoff publishers, (1986).
- 65- Cullen Anthony and Oberg Mark Divac, prosecutor V. Ramush Haradinaj Et Al: the International criminal tribunal for the former Yugoslavia and the threshold of non-International armed conflict in International Humanitarian Law, Asilinsight, April 23, (2008).

- 66- Davidsson, Elias, The war on terrorism: A Double frud upon humanity, international studies journal, Vol.3, No.2, (2006).
- 67- Dixon. Martin. And Robert. Mccorquodale, Cases and materials on international law, second edition Blackstone press limited, (1995).
- 68- Fitzmaurice, Gerald, The General principles of Law Considered from the Standpoint of Rule of Law, Recueil des cours, academie de droit international, vol.92, (1957).
- 69- Friendlander, Robert, A, Terrorism, , Encyclopedia of public international law, vol.9, (1986).
- 70- Ferencz, Benjamin B, Crimes against Humanity, , Encyclopedia of public international law, Vol.8, (1986).
- 71- Frowein, J.A, The Legal Aspects of International Terrorism, London, MNP, (1989).
- 72- Goodman, Ryan Human Rights Treaties, Invalid Reservation and State Consent, American journal of international law, Vol.96, (2002).
- 73- Harris, D.J, Cases and materials on international law, sixth edition, Thomson sweet and maxwell, London, (2004).
- 74- Henkin, Louis, Human rights, Encyclopedia of public international law, Vol.8, (1985).
- 75- Hoffman, Paul, Human rights and terrorism, human right quarterly, the john Hopkins University press. Vol.26, number.4, (2004).
- 76- Johnston. M Douglas. World constitutionalism in the theory of international law, in R.St.J. Macdonald and Douglas M. Johnston, towards world constitutionalism, Martinus nijhoff publishers,(2005).
- 77- Kirgis, Fredric L, North korea's Missile Firngs, asil Insight [http://www. Asilorg /insights .htm](http://www.Asilorg/insights.htm), 24 July (2006).
- 78- Kirgis, Fredric L, International Law Aspects of the 2005 world summit outcome, asil Insight [http://www. Asilorg /insights .htm](http://www.Asilorg/insights.htm),(2005).
- 79- Kirgis, Frederic L, pre-emptive Action to Foresall Terrorism, Asilinsight, June (2002).
- 80- Kirgis, Frederic L, prisoner Transfers out of Iraq, Asilinsight, October (2004).

- 81- Kiss, Alexandre, The legal ordering of environmental protection, in R.St.J. macdonald and Douglas M. Johnston, towards world constitutionalism, Martinus nijhoff publishers, (2005).
- 82- Lehnedt, Chia, European court Rules n UN an EU Terrorist suspect blacklists, Asilinsight.http, January 31, (2007).
- 83- Lotus case, PCIJ Reports, Series A, No.10, para18, (1927).
- 84- Lowe, Vaughan. Security concerns and national soversignty in the Age of world-wide terrorism, in R.St.J. macdonald and Douglas M. Johnston, towards world constitutionalism, Martinus nijhoff publishers, (2005).
- 85- Manusama, Kenneth and Stien Geir Ulf, res: Sc Resolution 1368 and Self-Defence, European journal of international law, october (2001).
- 86- Mosler, Hermann, International legal community, Encyclopedia of public international law, Vol. 7, (1984).
- 87- Murice, flory(eds), Terrorism and International Law,(1997).
- 88- Ottenhof, Reyald, Approcah Criminologue Et Victimiloque De Terrorism, In sos Attentats Terrorism, Victimes Et Responsabilite Penale International, Ed, Calmann, levy,(2003).
- 89- Ragazzi, Maurizio, The concept of international obligations erga omnes, Clarendon press, oxford, (1997).
- 90- Request for an examination of the situation in accordance with paragraph 63 of the court 20 December 1974 in the Nuclear Tests(New Zealand V. France) Case, ICG Reports, (1995)
- 91- Reydamas, Luc A, Conundrum posed by U.S Anti-Terrorism policy, Asilinsight. http. October 16, (2006).
- 92- Rosalyn Higgins, the General International Law of Terrorism, in Rosalin Higgins and Ramcharan. Bertrand G. The United Nations and new theates, challenges and change: the report of the high – level panel, in R.St.J. Macdonald and Douglas M. Johnston, Towards world constitutionalism, Martinus nijhoff publishers, (2005).
- 93- Rosand Eric, Security Council Resolution 1373, the Counter-Terrorism committee and the Fight Against terroism, American journal of international law, Vol.97, No.2, (2003).

94- Rosand, Eric, the security council Efforts to Monitor the Implementation of Al Qaeda Taliban sactions, American journal of international law, Vol, 98, (2004).

95- Sands Oonagh, British prevention of Terrorism Act 2005, Asilinsight, April 27, (2005).

96- Schrijver, Nico J, Responding in International Terrorism: Moving, the Frontiers of International Law for Enduring Freedom Netherland International Law Review, Vol.XLVIII, issue.

97- Shaw, M.N, International law, third edition, Grotius publications Cambridge university press,(1994).

98- Saul, Ben, Three Reasons for Defining and Criminalizing Terrorism, American Society of international law, (2003).

99- Stern, Jassica, Deredad Risks and the Control of Biological weapons, International security, vol.22, No.3, winter (2002-2003).

100-Schindler, Dietrich, Crimes Against the Law of Nations, Encyclopedia of public international law, Vol.8, (1986).

101-Skubiszewski. Kraystof. International legislation, Encyclopedia of public international law, Vol. 5, (1983).

102-Stein, Torsten, Extradiction, Encyclopedia of public international law, Vol.8, 1986, p.222, Stein Torsten, Extradiction Treaties, Encyclopedia of public international law, Vol.8, (1986).

103-Sossai, Mirko, Unsc/Res, 1373(2001) and Internatoinal Law,Making: A Trans Formation in the Nature of Legal Obligations for the Flight Against Terrorism, American journal of international law, Vol.97.

104-Stromseth, Jane E, an Imperial security council? Implementing Security Council Resolutions 1373, and 1390, American Society of international law, proceedings, (2003).

105-Staha, Carsten, Security resoultions 1368(2001) and 1373(2001), what the say and what do not say, European journal of international law, (2001).

106-Tomuschat, Christian, Obligations Arising for States without or Against Thier will, Recueil des cours, academie de droit international, 1993.

107-Tunkin, Grigory, Politics, law and force in the interstate system,VII, MNP, (1989).

108- Tunkin, Grigory, Remarks on the juridical nature of customary norms of international law, in international law in contemporary perspective (the public order of the world community), Myres S. McDougal and W. Michael Reisman, Mineola, New York, the foundation press, inc, (1981).

109- Wafa, Ahmad Abu El, Contributions of Islam to the development of a global community based on rules of international law, in R.St.J. Macdonald and Douglas M. Johnston, towards world constitutionalism, Martinus Nijhoff publishers, (2005).

Wildhaber, Luzius, Sovereignty and international law, in R.St.J. Macdonald and Douglas M. Johnston, the structure and process of international law: Essays in legal philosophy Doctrine and theory, Martinus Nijhoff publishers, (19